

با کم کاری در ترمیم شبکه، حدود ۶۰میلیون مترمکعب آب در مشهد هدر می رود

هدر رفت آب، سالانه ۲ سد کارده و طرق



فرزانه شهامت



گزارش روز

تلفن همراهش زنگ می خورد. آقای ایکس آن سوی خط است، یکی از مدیران شهرستان. گویا دارد می پرسد چرا آب فلان منطقه شهر قطع است، آن هم امروز که مسئولی عالی رتبه در یکی از ساختمان های همان منطقه جلسه دارد. از قطعی آب خبر داری. برای اصلاح شبکه است. به موقع اطلاع رسانی شده بود. پیدا است آقای ایکس نمی تواند آدمی را که رو به رویت نشسته است به وصل کردن آب مجاب کند. عمدی در کار نیست. واقعا نمی شود وصل کرد. نیروهای فنی کار خود را شروع کرده اند. توضیحات این سوی خط را هم می شنوی. اول اینکه آن ساختمان، منبع ذخیره آب دارد، با این حال محض اطمینان می شود یک تانکر آب هم فرستاد. دوم اینکه مگر آن مسئول بلند پایه از مر یخ آمده است که مسائل فنی را نداند؟ دومی پشت تلفن گفته نمی شود. هر حرفی که گفتن ندارد. تماس قطع می شود. با قدری دلخوری. گفت وگویی مادر اناق کار خنک و تاریک سید حسن آقاییی، معاون بهره برداری و توسعه شرکت آب و فاضلاب (آبفا) مشهد از همین جا شروع می شود. برایت توضیح می دهم که آن مسئول ارشدر می شناسد و آدمی است بی توقع و خاکی اما امان از دور وبری ها پر سش ها و پاسخ های ما متفاوت شروع می شود و تا انتها با همین فرمان پیش می رود. شروع متفاوت یعنی اینکه مصاحبه شونده پیش دستی می کند و سؤال می پرسد. می خواهد بداند از تمرکز روی موضوع هدر رفت آب، دقیقا دنبال چه هستی. گوشه ای از بار روانی ناشی از خشک سالی ها را که برایش توضیح می دهی، مجاب می شود که هدف دغدغه ای عمیق و مشترک است، نه فقط پرکردن صفحه روزنامه. پای اعتماد و «می گویم اما لطفا ننویسید» ها این طور به گفت وگویی ماباز می شود. شاید این حرف های مگو ناشی از خاصیت آب است. با آن ظاهر ساده و ماهیت بی نهایت حیاتی اش که به غلط فکر می کنیم اگر چهار قطره باران و چند دانه تگرگ ببارد، جبران می کند اضافه برداشت هایی را که در چند دهه اخیر به بار آورده ایم.

● گویا دفتر آب های بدون درآمد

که مرتبط با موضوع هدررفت آب و گفت وگویی ماست، از چارت شرکت آبفا حذف شده. همین طور است؟ بله. بعد از ادغام آبفای روستایی و در چارت جدید، برخی دفترها اضافه شده بودند. برای اینکه در مجموع، تعداد دفترها و مدیران زیاد نشود، برخی پست های کلیدی مثل دفتر آب های بدون درآمد را حذف کردند و سطح آن را پایین آوردند، درحالی که جزو دفترهایی بود که باید همیشه مطالعه گر باشند.

● برای احیایش می خواهید چه کار کنید؟

پیشنهاد اصلاحی مان را فرستاده ایم به حوزه مدیرعامل. نوشتیم که دفتر آب های بدون درآمد باید به حالت سابق برگردد. از ایرادهای چارت فعلی این است که آب های بدون درآمد را محدود کرده است به شبکه توزیع آب بین مصرف کننده ها. درحالی که بخشی از هدررفت آب مربوط به قبل تر است، یعنی خطوط انتقال آب، مخازن، تأسیسات پمپاژ و.... این دفتر باید باشد و تمام این قسمت ها را رصد کند و پیشنهاد بدهد برای اینکه میزان آب بدون درآمد زیاد نشود و برنامه بعدی اش کاهش این میزان باشد. این طور نیست که اگر هیچ کار نکنیم میزان آب بدون درآمد خود به خود به میزان سال پیش باقی بماند. چرا ثابت نمی ماند؟

به دلایلی مثل افزایش عمر شبکه. با روند کند فرایندهای اداری، اصلاح چارت به عمر ما قدمی دهد؟ مواردی داشتیم که اصلاحات طولانی نشد. نظرات همه شرکت های آب و فاضلاب در بازه ای مشخص، مثلا دو هفته، گرفته و سپس ساختار اصلاح شده، ابلاغ می شود. حذف دفتر مربوط به چه زمانی است؟

ابتدای سال ۹۹.

● خیلی گذشته است. به نظر می رسد که باید همتان را مضاعف کنید.

● پیگیری ها را انجام می دهیم.

● میزان هدررفت آب در شهر مشهد چقدر است؟

سال ۱۴۰۰، هدررفت آب در مشهد

۲۳،۰۴ درصد بود.

● چقدر از این میزان، به مواردی مثل نشستی اتصالات برمی گردد و چقدر ناشی از مواردی مثل انشعاب های غیرمجاز است؟ همان طور که اشاره کردید آب بدون درآمد چند بخش دارد. دو بخش اصلی اش این هاست: هدررفت واقعی و هدررفت ظاهری. ظاهری یعنی آب، استفاده شده است اما برای آبفا درآمد ندارد و مشترک، آب بهایش را پرداخت نکرده است. مثل انشعاب های غیرمجاز یا مثلا خطای کنتورهایی که میزان مصرف را کمتر از واقعیت نشان می دهند. بخش دیگر، هدررفت واقعی است. یعنی آب هایی که بدون استفاده از دسترس خارج می شود مثل همان نشستی اتصالات. هدررفت ظاهری مان در مشهد ۱۳،۳۶ درصد است و هدررفت واقعی مان بیش از ۹ درصد، دقیقش را بخواهید ۹،۶۸ درصد.

● وضعیت بقیه کلان شهرها چطور است؟ بدتر از مشهد.

● عدد دارید؟

● نمی توانم بگویم.

● میانگین کشور چطور؟

● اجازه بدهید نگویم.

● پس مخاطب ما عملکرد آبفای مشهد را با چه شاخصی با بقیه کشور مقایسه کند؟

● باشد، جایش را خالی بگذارید بعد اعرض می کنم. (بعدتر می گوید که در کشور، میزان هدررفت ظاهری ۱۳،۵ درصد و هدررفت واقعی ۱۵ درصد است.)

● چرا هدررفت آب در مشهد وضعیت بهتری دارد؟ به دود لیل. یکی به خاطر پهنه بندی شبکه توزیع آب مشهد به ۲۱ پهنه و تنظیم فشار آب مشترکان در محدوده فشار استاندارد. اگر این کار را نمی کردیم، با این اختلاف ارتفاعی که در مشهد هست، یک جا آب نمی رسید و جای دیگر فشار آب خیلی زیاد می شد. فشار زیاد عیبش این است که هم نشستی آب از منافذ را بیشتر می کند و هم خرابی ها و اتفاقات آب را. این ها مساوی با افزایش هدررفت واقعی آب است. پهنه بندی غرب مشهد تمام شده است، شرق مشهد تا

حدا کثر سه سال آینده تمام می شود.

● و دلیل دیگر؟

● شبکه توزیع آب مشهد از نظر جنس لوله ها و کیفیت اجرا وضعیت مناسب تری دارد. جنس لوله ها را رسانه ای نکنیم بهتر است. تبلیغ می شود.

● سال ۹۵ میزان هدررفت واقعی آب مشهد ۸/۲درصد اعلام شده بود. الان رسیده ایم به ۹/۶۸درصد. چرا زیاد شده است؟

● از نیمه دوم سال ۹۴ شروع کردیم به تحویل گرفتن شبکه آب برخی شهرک ها و روستاهای حاشیه مشهد در بولوار شاهنامه. رسالت و.... کیفیت شبکه توزیع آب این ها نامرغوب و هدررفشان بالا بود. این باعث شد میزان هدررفت واقعی آب مشهد افزایش پیدا کند.

● چقدر نامرغوب؟

● در این حد که با قاطعیت می گویم تقریبا تمام شبکه آب روستایی شهرستان مشهد نیاز به استاندارد سازی و نوسازی دارد. نارسایی هایی مثل قطر پایین لوله ها باعث می شود در اوج مصرف، آب به این ها نرسد. لوله هایشان فرسوده و نرخ اتفاقاتشان بالاست.

● برای اصلاح این وضعیت افق دارید؟

● مادر طراحی هایمان عمر شبکه را ۲۵ سال در نظر می گیریم. یعنی هر سال ۴ درصد، شبکه باید اصلاح شود تا همواره از عمر استاندارد خودش بهره مند باشد و فرسوده نشود.

● در مشهد معادل چند کیلومتر می شود؟

● فقط برای شهر مشهد حدود ۲۶۰ کیلومتر. در مقیاس شهرستان مشهد (متشکل از شهرهای مشهد، ملک آباد، بینالود، رضویه و حدود ۳۵۰ روستای تابعه) می شود سالی ۲۸۰ کیلومتر.

● الان چقدر انجام می دهید؟

● باتوجه به محدودیت های فنی و اعتباری و سایر اولویت ها مثل عملیات اضطراری که پیش می آید، در سال کمتر از صد کیلومتر را می توانیم انجام بدهیم. این یعنی میزانی که باید اصلاح شود، سال به سال روی هم جمع می شود.

● می شود برای این دور باطل پایانی تصور کرد؟

● تا وقتی که برای مصرف آب فرهنگ سازی نشود، بهیای واقعی اش در یافت نشود و قوانین ما کافایت لازم را برای برخورد با انشعاب های غیرمجاز، تجاوز به شبکه و... نداشته باشد نمی توانیم هزینه های لازم برای بازسازی شبکه را متناسب

● بنایا زها تأمین کنیم. ● اعتباری که برای اصلاح شبکه فرسوده آب مشهد نیاز است، به مقدار آبی که صرفه جویی می شود می ارزد یا مقدار صرفه جویی شده آن قدر ناچیز خواهد بود که بهتر است این بودجه صرف راهکارهای دیگر بشود؟

● ببینید من به هزینه انتقال آب از خلیج فارس اشاره نمی کنم تا برداشت بدی نشود اما بیا بید همان نرخ را ارزش تجاری آب در نظر بگیریم. اگر قرار است

● آب از خلیج فارس منتقل بشود، آن هم با هزینه های خیلی بالا در حد چند ده برابر نرخ آبی که الان داریم به مردم می فروشیم، می صرفد که مبالغ خیلی بیشتری برای اصلاح، بهسازی و نوسازی شبکه تخصیص داده شود. برآوردی کردیم که بد نیست در گزارشتان بیاورید. کاهش یک درصدی آب بدون درآمد نیازمند ۳۵۰ میلیارد تومان بودجه در سال است. مبلغ سنگینی است اما به نسبت ارزش واقعی آب و ارزش تجاری آن، عددی نیست. سابقه نداشته است که در یک سال این قدر اعتبار عمرانی بگیریم، چه برسد برای بخش هدررفت آب. چنین عددی...

● عددی رویایی است در شرایط ما لادر حد چند ده برابر نرخ آبی که الان داریم به مردم می فروشیم، می صرفد که مبالغ خیلی بیشتری برای اصلاح، بهسازی و نوسازی شبکه تخصیص داده شود. برآوردی کردیم که بد نیست در گزارشتان بیاورید. کاهش یک درصدی آب بدون درآمد نیازمند ۳۵۰ میلیارد تومان بودجه در سال است. مبلغ سنگینی است اما به نسبت ارزش واقعی آب و ارزش تجاری آن، عددی نیست. سابقه نداشته است که در یک سال این قدر اعتبار عمرانی بگیریم، چه برسد برای بخش هدررفت آب. چنین عددی...

● فعلی؟

● آفرین، دقیقا.

● کارهایی که برای اصلاح شبکه و کاهش هدررفت انجام می دهید، از کدام ردیف اعتباری است؟ (ردیف مشخصی دارد، نه؟

● از هرجایی که بشود تأمین می کنیم. چون عملیاتی که انجام می دهیم اثرات مختلفی دارد و مابسته به آن اثرات می توانیم از ردیف ها استفاده کنیم. مثلا اسم ردیف، مقابله با خشک سالی یا بازسازی تأسیسات است اما عملا باعث کاهش آب بدون درآمد هم می شود.

● پس ردیف مشخصی نیست که بشود میزان اختصاص و تخصیص آن را مطالعه کرد.

● حق با شماست. ردیف ویژه آب بدون درآمد در کار نیست.

● چند سال پیش اعلام شد که ۲۸درصد شبکه آب مشهد نیاز به تعویض دارد. الان باید به یک سوم رسیده باشد. همین طور است؟

● الان نسبت به آن موقع بیشتر شده است. می توانم بگویم در حد یک سوم اما استاندارد مشخصی ندارد. ما این یک سوم را بر اساس تعداد اتفاقاتی می گوئیم که برای شبکه رخ می دهد و آن ها را روی نقشه جانمایی می کنیم. همین طور بر اساس نارسایی هایی که مشترکان به ما اعلام می کنند. ممکن است یک کارشناس در جایی دیگر مثل شیراز بگوید شما ساخت گیرانه عمل کرده اید و مادر شهرمان با این تعداد اتفاقات، نمی گوئیم شبکه نیاز به تعویض دارد.

● شاخص ما دیدگاه کارشناسی کسی است که الان داریم با او گفت وگو می کنیم. به نظرتان چند درصد از شبکه آب مشهد نیاز به تعویض دارد؟

● اگر شهرستان مشهد مدنظر باشد و شبکه های روستایی را هم لحاظ کنیم می گویم بیش از یک سوم نیاز به بازسازی دارد. اما شهر مشهد کمتر از یک سوم نیازمند تعویض است. به هر حال عدد بالایی است، خیلی بالا. در کشور خشکی مثل ایران، دادن اطلاعات لازم بابت کاهش هدررفت جزو الزامات است.

● فرض کنید فقط یک درصد از هدررفت آب در مشهد را کم کنیم. چقدر آب صرفه جویی می شود؟

● ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار مترمکعب آب در

● سال. (با روایت معاون بهره برداری و توسعه شرکت آب و فاضلاب، سالانه ۵۹میلیون و ۸۰۰هزار مترمکعب هدر رفت آب در مشهد است یعنی نزدیک به حجم آب سد کارده با ۲۸ و سد طرق با ۳۶میلیون متر مکعب)

● اگر این عدد را در ۲۳/۰۴درصد (کل هدررفت آب مشهد) ضرب کنیم تا مقدار صرفه جویی در شرایط ایده آل را به دست بیاوریم.

● نه. چون اولا هیچ وقت میزان هدررفت آب را نمی شود به صفر رساند. دوم بخش بزرگی از آب های بدون درآمد (۱۳،۶۸درصد) واقعا دارد مصرف می شود، هر چند که آب بهای آن پرداخته نمی شود. حتی اگر طرف انشعاب مجاز هم داشت، همین حدود را استفاده می کرد. مسئله اصلی بنده هدررفت واقعی است. اگر ارزش همین ۲میلیون و ۶۰۰هزار مترمکعب را با نرخ تجاری آن محاسبه کنیم، عدد بسیار بزرگی می شود. اجازه بدهید به دلیل سوء برداشت های سیاسی اشاره نکنم.

● درخواست کردید برخی از داده هایی که لایه لای گفت وگو اشاره شد، به دلیل آنچه که «تبعات منفی احتمالی» بیان کردید، منتشر نشود. دقیقا کدام تبعات منفی؟

● ابتدای گفت وگو پرسیدم از تهیه این گزارش دنبال چه هستید. به اثرات منفی روانی وضعیت آب اشاره کردید. شهروندانی که دغدغه آب دارند کم نیستند. در مقابل عده ای هم هستند که برگ جلوی منزلشان را با فشار آب حرکت می دهند. این درک را ندارند و به خودشان زحمت نمی دهند لاقاقل ابتدا جا رو برنند. شمار دیگری هستند که می توانند از انشعاب مجاز استفاده کنند اما تخلفاتی را مرتکب می شوند برای اینکه آب بهایشان را نبردارند، زیاده خواه هایی به ویژه در باغ ویلاهای اطراف شهر که انشعابات غیرمجاز با لوله های قطر بالا ایجاد می کنند. گستاخی برخی از این ها به جایی رسیده است که به همسایه هایشان هم از این برداشت غیرمجاز آبی می دهند. دوهفته پیش در غرب مشهد و در دشت سوران فقط از یک خیابان کوتاه ۱۰۰ انشعاب غیرمجاز با قطر بالا کشف کردیم. انتشار برخی داده ها می تواند به افزایش مصرف یا گسترش تخلفات در چنین افرادی منجر شود.



و خواهران افغانستانی خود ایستادند و ثابت کردند که ملت و دولت ایران «طرف دار مردم افغانستان» هستند و نه تنها هیچ خللی در روند صدور ویزا برای شهروندان افغانستانی برای سفر به ایران وارد نشده که به تعداد ویزاهای صادر شده در یک روز هم اضافه شد. هر چند این سال ها خالی از مشکل و سختی نبوده است اما اگر ملت میزبان مهاجران و پناهندگان در ذات خود عنصر مهربانی و مردم داری نداشته باشند، هیچ گاه نمی توانند از پناهجویان پذیرایی کنند و ملت ایران در طول این سال ها ثابت کرده است که ذات مهربانی دارد. از طرفی مهاجران افغانستانی ساکن مشهد چون در سایه پر عطف و رضوی هستند، خوش اند و در آرامش زندگی می کنند. حالا هم که ایران در تلاش است تا با سرشماری از مهاجران افغانستانی تازه وارد شرایط حضور آنان در ایران را شفاف کند، بزرگ منشی و مهمان نوازی میزبان همدل و همزبان را بیش از پیش ثابت می کند. مردم افغانستان قدر این همسایگی را می دانند و به هیچ کس اجازه نخواهند داد که به این همدلی خدشه ای وارد کنند.

ما پناهنده شاه خراسانیم

صفحه ای، از هیچ کتاب حقوق بین الملل، در هیچ جای دنیا نوشته نشده است. مهاجران افغانستانی پناهنده امام رفوف^(۱) هستند که خودش ضامن آهوی بیابان است. آن ها پناهنده حرمی هستند که مقصد همه غریبان جهان است و ساکن شهری که مردمش در همه روزهای سال میزبان زائران حریم قدس رضوی هستند. هر چند که حضور میلیون ها پناهنده افغانستانی در طول چهار دهه گذشته بار سنگینی بر دوش ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران بوده است. اما به قول مرحوم «سرور جایی» ما و ایرانی ها هم غم شیرکیم، هم خون شیرک. حضور مهاجران افغانستانی در هشت سال دفاع مقدس در کنار برادران و خواهران مسلمان و همزبانان مهم ترین دلیل برای ادعای خون شریکی آن ها با مردم ایران است. مردم افغانستان هیچ گاه فراموش نمی کنند که سال گذشته وقتی آمریکا و هم پیمانان اروپایی اش افغانستان را در هشتاد سال گذشته گذاشتند، نمایندگی های سیاسی جمهوری اسلامی ایران در شهرهای افغانستان تمام قدر کنار برادران



سید محمدرضا هاشمی روزنامه نگار افغانستانی

هم قدری ترس می موجه از اینکه در هشت سال یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی، تحت شکنجه قرار گیرد، در خارج از کشور محل سکونت عادی (کشور اصلی خود) به سرنمی برد و نمی تواند، یا به علت ترس مذکور نمی خواهد، خود را تحت تابعیت آن کشور قرار دهد. «اما قصه پناهندگان افغانستانی که چهل سال پیش به ایران آمده اند در هیچ